

اکتبر سرخ ، وحدت پولادین کارگران و زحمتکشان و درهم شکستن استثمارگران

" ما با جمهوری تولید گران به مقابله با جهان برخوایم خاست . مادر شوراها نه افراد سهامدار و مالک ابزار بلکه تولید کنندگان را راه دادیم . حوزه ی زغال سنگ دونتس توسط تولید کنندگان زغال سنگ نمایندگی می شود ، راه آهن به وسیله ی تولید گران وسائل حمل و نقل ، سیستم پستی توسط چی های آن و غیره " .

این عبارت کوتاه ولی پر مفهوم لنین کبیر رهبر پرولتاریای جهان در واقع ظنین فریاد صدها میلیون تن توده های رنج و کار بود که به نمایندگی از طرف زحمتکشان روسیه در جهان ظنین انداز گردید و در عین حال ؛ عقلا نه ترین- حق طلبانه ترین- عادلانه ترین- دمکراتیک ترین و صلح آمیزترین پیام جوهر کلام انقلاب زحمتکشان به تمامی مردم سراسر جهان بود .

انقلاب اکتبر روسیه بدون کوچکترین شک نقطه عطفی در تاریخ جامعه بشری است . طبقه کارگر در اتحاد با توده های زحمتکش و استثمارشونده نشان دادند که می توانند و باید زمام امور سرزمینی را که خود سازندگان و نگاهدارندگان واقعی آنند ، بدست گیرند و خود را برای همیشه از استثمار ، محرومیت و ستم طبقاتی برهانند . تمام حیات مادی جامعه و هر آنچه تولید میشود ، از فرآورده های کشاورزی و صنعتی گرفته تا کاخ های مجلل و زیبا و بناهای مسکونی همه و همه با دست طبقه کارگر و توده های زحمتکش ساخته میشود ولی خود سازندگان و تولیدکنندگان در محرومیت مطلق زندگی می گذرانند . زاغه ای برای سکونت دارند و لقمه نانی برای برطرف کردن گرسنگی و تجدید نیرو تا بتوانند چرخ های تولید و باز تولید را بگردانند و برای صاحبان زر و زور زندگی های افسانه ای فراهم آورند .

هنگامی که از انقلاب سوسیالیستی (پرولتری) سخن بمیان آورده می شود ، حامیان نظام بورژوایی شگفت زده برآشفته می شوند که مگر چنین چیزی شدنی است ، مگر کارگر هم می تواند امور کشور را اداره کند ، مگر کارگر می تواند دولت تشکیل دهد و چرخ های جامعه را بگرداند و به پیش برد . بورژوا چنین می اندیشند ؛ اگر بورژوازی از مسند قدرت پائین آورده شود ، آسمان به زمین می رسد و دینا به آخر خواهد رسید . تو گویی کار و زحمت ، محرومیت و بی حقی جاودانه چون زنجیری باید بپای زحمتکشان بسته شود و زندگی در کاخ های مجلل ، غنودن در بستر پر قو و بهره گرفتن از " برکات الهی " سهم اقلیت مفتخور و استثمارگر است .

قرنها است اقلیتی بنام بورژوازی صاحب اقتدار است و با وسائلی که در دست دارد اکثریت را بکار وامی دارد و از دست رنج آنان برای خود داستانهای افسانه ای و هزار و یکشب می آفریند . اکتبر سرخ در تداوم کمون قهرمان پاریس ، برای نخستین بار در تاریخ بشری اراده لایزال خویش را در پرتو رهبری حزب راستین زحمتکشان بر مفتخوران استثمارگر باثبات رساند . اکتبر سرخ با حقانیت درخشانش در ارض یک ششم جهان افسانه جاودانه فنا نا پذیری بورژوازی را درهم شکست و بمثابه منبع الهام بخش کارگران و دیگر توده های زحمتکش جهان تبدیل گردید . اکتبر سرخ در پرتوی همبستگی زحمتکشان روسیه و در تداوم مبارزه نیروی کار علیه دژ سرمایه برای نخستین بار اندیشه رهانی بخش آموزگاران پرولتاریا را در عمل باثبات رساند که می شود و باید روزی اکثریت جامعه یعنی آفرینندگان واقعی تولید حکومت را در دست گیرد و اقلیت مفتخور را بکار کشد .

انقلاب اکتبر نشان داد که این کار نه تنها شدنی است بلکه حکم تاریخ است و این جامعه سرمایه داری است که چنین فرجامی را برای خود تدارک می بیند . انقلاب اکتبر نشان داد که اداره کشور نه تنها بدون بورژوازی ممکن است بلکه بدون بورژوازی نیروهای مادی و فرهنگی جامعه سریع تر رشد خواهند کرد . روسیه ، کشوری عقب نگهداشته شده در نتیجه انقلاب اکتبر علیرغم خرابی های عظیم و غیر قابل توصیف ناشی از دو جنگ جهانی و جنگ داخلی توانست در مدتی کوتاه به دومین قدرت اقتصادی و فرهنگی جهان ارتقاء یابد . انقلاب اکتبر نشان داد که عقب ماندگی نمی تواند و نباید بمثابه مانعی بر سر راه انقلاب طبقه کارگر تلقی گردد . انقلاب اکتبر ، پرولتاریا را در

کشورهای مختلف بحرکت درآورد. قیام‌های پرولتاریا را در آلمان، اطریش و مجارستان الهام بخش گردید. گرچه این قیام‌ها توسط بورژوازی و در همکاری مستقیم با سوسیال‌دموکرات‌های خیانتکار بخاک و خون کشیده شد.

درست است که از سال 1921 بورژوازی توانست خشم مقدس پرولتاریا را در سراسر اروپا فرو نشاند و موقعیت خویش را تثبیت کند. اما اگر التهاب انقلابی طبقه کارگر فروکش کرد، جنبش کارگری از طریق انترناسیونال کمونیستی در سراسر جهان رو به اعتلاء رفت و دامنه خود را گسترده نمود. پیروزی اتحاد شوروی بر فاشیسم هیتلری نیروی تازه‌ای به پرولتاریا جهانی بخشید. انقلاب اکتبر چین در 1949 جنبش کارگری و کمونیستی را به اوج قدرت مادی و معنوی خود رسانید. امری که تحقق‌اش در پرتوی انقلاب اکتبر روسیه امکان‌پذیر گشت.

انقلاب اکتبر در متن جامعه بورژوا-فئودال روسیه شکل گرفت و با دست طبقه‌ی کارگر روسیه به پیروزی بر استثمارکنندگان منجر شد. ولی در عین حال یک پیروزی پرولتاریا جهان در جنگ طبقاتی علیه بورژوازی بود. در واقع پرولتاریا جهان در تولد انقلاب اکتبر فرزند خود را به بشریت عرضه داشت. در واقع هم انقلاب اکتبر مولود تلاش و کوشش چندین ده‌ساله پرولتاریا جهانی بود و این امری است بسیار مهم و پر اهمیت که هرگز نباید از نظر دور داشت.

وقتی گفته می‌شود انقلاب اکتبر سرآغازی نو در تاریخ بشریت است در واقع در عرصه بین‌المللی ارزیابی می‌شود. بی‌جهت نبود که پرولتاریا در سراسر جهان از انقلاب اکتبر و ساختمان جامعه سوسیالیستی پشتیبانی کرد. و دقیقاً به علت همین عظمت انقلاب اکتبر در صحنه جهانی است که شکست آن توسط رویزیونیست‌های شوروی، قلوب پرولتاریای جهان و پیشاهنگ آنرا در چنین وضع و موقعیت دردناکی قرار داده است.

در سراسر جهان دو جبهه در مقابل هم صف آرانی نموده‌اند. جبهه پرولتاریا و جبهه بورژوازی در برابر هم ایستاده و در حال جنگ‌اند. پیروزی یا شکست یکی از دو طبقه در این یا آن قسمت، در این یا آن برهه از زمان، پیروزی یا شکست تمام طبقه در جبهه جهانی است. امروز که سرمایه‌مالی (الیگارش‌مالی- ادغام سرمایه بانکی با صنعتی) سراسر جهان را بهم پیوند داده و بصورت یک واحد عظیم سرمایه‌داری انحصاری درآورده است، بدیهی است که در این بین بورژوازی و پرولتاریا دو طبقه اصلی جهانی‌اند.

هنگامی که از امپریالیسم بمثابه "عصر انقلابات سوسیالیستی" یاد می‌شود، منظور این است که از این پس تاریخ در این مسیر سیر می‌کند که در عرصه جهان پرولتاریا بجای بورژوازی و جامعه سوسیالیستی به جای سیستم سرمایه‌داری قرار خواهد گرفت. همانطوریکه با انقلابات سوسیالیستی در شوروی و چین، سوسیالیسم در بیش از نیمی از جهان به تحقق درآمد. منظور این است که موقعیت بورژوازی، منافع طبقاتی آن، موضعگیری آن در قبال پرولتاریا و هدف نزدیک و درازمدت آن در همه نقاط جهان، چه سر و کار پرولتاریا با بورژوازی انحصاری امپریالیستی باشد و چه با بورژوازی ملی‌یکسان می‌باشد. بهمین جهت موقعیت، منافع طبقاتی و هدف و آرمان پرولتاریا نیز در همه جا یکی می‌باشد.

بی‌دلیل نبود که از فردای پیروزی اکتبر سرخ در روسیه، 14 کشور امپریالیستی متفقاً به پرولتاریا پیروزمند روسیه یورش بردند تا به بورژوازی روسی مغلوب خود یاری رسانند. و باز بی‌دلیل نیست که پرولتاریا در همه کشورهای جهان پشتیبانی و همبستگی خود را با کشور شوراهای اعلام داشت و در همه زمینه‌ها به دفاع از آن برخاست. آموزگار پرولتاریا جهان کارل مارکس چه پر نغز و زیبا می‌گفت:

"زیر نگاه ارتش پروس که دو ایالت فرانسه را ضمیمه آلمان کرده بود، کمون زحمتکشان سراسر جهان را ضمیمه فرانسه میکرد"

(جنگ داخلی در فرانسه)

بمنظور احتراز از نتیجه‌گیری نادرست باید اضافه کرد که رویارویی پرولتاریا و بورژوازی در صحنه جهانی بمعنی پیروزی انقلاب سوسیالیستی در مقیاس جهان نیست. انقلاب پرولتاریائی

در این یا آن کشور جداگانه یعنی در ضعیف ترین نقطه جبهه بورژوازی می تواند پیروز شود و بر این روال بتدریج سوسیالیسم را بر سراسر جهان بگستراند. ارزیابی و تحلیل از پیروزی و شکست انقلاب اکتبر و تاثیر عظیم آن در صورتی کامل است که این انقلاب را نه تنها در متن جامعه بورژوائی روسیه بلکه در متن جامعه بورژوائی جهانی نیز قرار داد. در واقع پیروزی انقلاب اکتبر نه تنها معلول شرایط خاص روسیه در آن برهه از زمان بلکه معلول شرایط دنیای سرمایه داری نیز در همان برهه از زمان بود.

دو جبهه پرولتاریا و بورژوازی لاقلاً از نیمه دوم قرن نوزدهم در برابر هم ایستاده و در حال جنگ اند. در این میان جبهه پرولتاریا تاریخ خود را دارد، پیروزی ها و شکست های خود را دارد، تجارب غنی مبارزه خود را دارد، با تمام درس هایی که از آنها آموخته است. تاریخ پرولتاریا در جامعه سوسیالیستی و پس از آن ادامه می یابد، اما تاریخ بورژوازی با نظام بورژوائی پایان می پذیرد. لذا جبهه ی بورژوازی بدون دورنما است اگرچه مدتی نسبتاً طولانی دوام یابد. دورنمای آینده از آن پرولتاریا است.

دفاع از اکتبر سرخ می باید صریح و با افتخار باشد، و نه خجولانه بطوریکه مخالفین را نرنجانند. و این آن درس اساسی نهفته در قلب سرخ انقلاب سوسیالیستی اکتبر است که باید آموخت. دفاع افتخار آمیز از اکتبر در پیوند با حمایت و پشتیبانی از ساختمان سوسیالیسم که چون خورشید درخشان بمدت 30 سال الهام بخش پرولتاریا و دیگر زحمتکشان جهان بود معنی می یابد. زیرا؛ شوکت، عظمت و درخشش اکتبر سرخ که بارتابش در پیکر ساختمان سوسیالیسم تجلی می یافت و تداوم ساختمان سوسیالیستی لنینی بدون رهبری با کیاست و با درایت استالین کبیر در محاصره و تجاوزات گرگان و خوکان وحشی و درنده امپریالیستی، فاشیستی و ستون پنجم داخلی آنان از قبیل باند تروریستی- خرابکارانه ترسکی- بوخارین امکان پذیر نبود. ادامه دارد

بهمن ادیب 2006/10/10